

### متن پرسش

سلام: در بحث حرکت جوهری، یه جا گفتید مربوط به عالم ماده است، یه جا گفتید جوهر نفس هم داریم. این یعنی روح انسان، جوهر محسوب می شود. ۱. اونوقت بروز تدریجی صفاتی مثل بخشندگی، صبر و رضایت، و نقطه مقابل اون، بروز تدریجی صفاتی مثل بخل، جزع و طمع، اعراض این جوهر محسوب میشه؟ یعنی یه آدم، جوهر نفسش را بواسطه عدم هماهنگ نمودن تشریح با تکوین (هویت تعلقی خویش که عین ربط و اتصال است)، در حیوانیت کامل می کند و یه آدم دیگه، جوهر نفسش را بواسطه هماهنگ نمودن اعمال عبادی با تکوینش، در مسیر الهی و رسیدن به مقام نفس ناطقه خودش، کامل می کند. درست فهمیدم؟ ۲. حرکت جوهری (تغییر و دگرگونی) برای روح انسان، باعث نقض مجرد بودن روح انسان نمیشه؟ آخه لحظه به لحظه نفس انسان در حال تغییر و دگرگون شدن و مثلا اگه من امروز شما را ملاقات کنم، و فردا هم دوباره ملاقات کنم، عقل شما من را همان شخص می شناسد، ولی حقیقت این است که من طی گذشت این یک روز، دستخوش تغییرات و دگرگونی های زیادی در نفس خودم شده ام به طوری که دیگر نفس سابق نیستم، از طرفی، خدا هم آن خدای سابق نخواهد بود، چرا که وقتی من تغییر کنم، چطور ممکن است هستی دهنده من (آن وجودی که دائما در حال صدور فیض است تا هست بودن من، پابرجا بماند)، تغییر نکند؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. آری! چون نفس انسان به بدنش تعلق دارد از حرکت جوهری بدن متأثر می شود، البته تا زمانی که با این بدن مادی به سر می برد. ۲. نفس ناطقه در ذات خود مجرد است و به همین جهت متوجه می شود که امروز همان انسان دیروز است در عین آن که به جهت تعلق به بدن، تغییراتی هم داشته ولی در بستر نفس ناطقه ی مجردش. موفق باشید